

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۶ ه.ق - ده شب در کربلا)

خطبه‌ی روز عاشورا

۱۳ آبان ۹۳

سلام بر یوم‌الدین؛ مالک یوم‌الدین و سلام بر یوم عاشورا، یوم فرقان، یوم جداسازی حق از باطل، پاک از ناپاک، زیبایی از زشتی، عزت از ذلت و رشادت از عجز و سلام بر برپا کننده‌ی کرسی قضاوتش، بر ترازو و میزان و معیارش و سلام بر ایام، ایامی که نامش را پروردگارش در آینه‌ی آفرینشش نگاشت سپس همگان را در چرخش شب و روزش به تفکر فرمان داد؛ روزها در انوارش درخشید و شب‌ها در سکوتش مأوای دلدادگانی شد که زبان در کام را در پرده‌ی سینه فرو برده بودند تا رازهایی را فاش کنند که در صندوقچه‌ی جان ذخیره شده بود جان‌ها رفتند ولی ذخیره‌ها ماندند تا ایام را معنا کنند؛ زبان آیندگان در کام‌هایشان به عظمتش معترف شد و اشک دیدگان از سوز و گدازش به جریان افتاد؛ چه تلاطم باشکوهی! امواج به حرکت درآمدند تا پرده‌ی جان عاشق را بدرند و زبان در کام مانده‌اش را به سخن درآورند؛ زبان ایام شکوفا شد و نهانش از سینه‌ی زمان جوشید و ابراز داشت؛ مرا به خاطر بسپارید؛ من امانت‌دار جان‌هایتان هستم امانتتان را به من بسپارید تا بر رفعتش بیفزایم و نجواهایتان را دریچه‌ی نجات جان‌ها کنم و سلام و صلوات خداوند کریم بر کوثر بی‌همتای الهی سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) که از زبان گویای ایام سخن گفتند که ما به وضوح امانت‌داری آن را می‌بینیم که همان‌گونه‌ای که فرمودند زمان، امانت عاشورای اباعبدالله‌الحسین را در سینه‌ی خود حفظ فرموده که هر سال زبان آیندگان در کام‌هایشان به عظمتش اعتراف کنند و اشک دیدگان از سوز و گدازش چون سیل به جریان افتد؛ امروز همان وعده‌ی سرور عالمیان است؛ یوم عاشوراست؛ روزی است که عظمتش زمین و آسمان را به حیرت درآورد. حال در این روز بزرگ به مولایمان امام حسین (ع) بگوییم: یابن رسول‌الله ما منتظران و عاشقان فرزند گرمی‌تان یوسف زهرا امام و مولا و سرورمان را اگرچه به ظاهر نمی‌بینیم ولی ایشان را از خودمان جدا نمی‌دانیم با باور و یقین، وجود مقدسش را در کنار و در قلبمان و در فرمایشات

گهربارشان می‌بینیم ما را در این روز بزرگ دعا کنید که جامان را عاشقانه در اطاعتش فدا کنیم و امانت‌های پیامبران، قرآن و اهل‌بیت را چون جان شیرینمان بدانیم و از آنان پیروی کنیم.

حال به اذن الله و به اذن رسول الله و به اذن مولانا امام عصر و زمان (عج) خطبه‌ی روز عاشورا را قرائت می‌کنیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی روز عاشورا

سلام بر یوم‌الدین، یومی مبارک، روز مرگ باطل، روز شکست شیطان و روز ظهور حق و عدالت، قیامتی خونین و وصالی شیرین؛ نامش را چه قلمی می‌نویسد و چه زبانی قادر است تا وصفش کند؟ چه قلبی بارش را بر می‌دارد و چه سینه‌ای از غمش پاره پاره نمی‌شود؟ آسمان به چه می‌نگردد؟ زمین سوره‌ی والعیاد را تلاوت می‌کند؛ جرقه‌ی سم اسبان را می‌ستاید؛ پروردگارا چه زیبا فرمودید: آنچه من می‌دانم شما نمی‌دانید. ای خالق یگانه راز قلب جدم حسین را چگونه یافتید که او را اباعبدالله نامیدید تا عبد را معنا کند؟ پس پیشانی عبد می‌شکند، قلبش تیر می‌خورد، سرش جدا می‌شود ولی آرام نمی‌گیرد؛ آواز تلاوتش در فضای زمان می‌پیچد: ای بندگان در بند شیطان، سر پر شورم هنوز شور هدایتان را دارد گرچه بین آن و بدنم جدایی افتاده ولی هنوز عاشق است تا بگوید بیایید خداوند مهربان است. ای وای بر قلب‌هایی که با ندای حق گشوده نشوند؛ آنان را از لای پارچه‌ای خونین بخوانند: اگر مرا تکه تکه کردید به دین جدم ایمان بیاورید. این عشق را چگونه تفسیر می‌کنید؟ نه شب در میان پرتو نورانی‌اش جانتان را افروختید و هنوز چشم به راه معجزه‌ای دوباره هستید؛ چه می‌خواهید تا دینتان را حفظ کنید؟ عشق یاران حسین را؟ پس نشانش را بر سینه‌تان می‌بینم. اینک در محضری هستید که حقیقت وجودتان آشکار گردیده و دیگر توان پوشاندنش را ندارید؛ از قبر جانتان برخاسته‌اید، عریان عریان، نوری می‌باید تا رسوا نشوید پس پیام صحرای کربلا را تفسیر می‌کنم:

توبه طبق فرمایش قرآن کریم فقط دم مرگ پذیرفته نمی‌شود؛ انسان همواره فرصت بازگشت دارد پس این اتمام محبت چه معنایی را در خود پنهان نموده؟ رمزش در نه شب در کربلا ماندن بود سپس مردن و از قبر برخاستن؛ چهره‌ی عمل انسان در مرگش همان چهره‌ای است که از قبر بر می‌خیزد؛ اینک برخاسته‌اید؛ به چهره‌تان نظر کنید؛ طبق فرموده‌ی قرآن کریم هر کس خویش خویشان را خوب می‌شناسد؛ وای بر احوال جان‌هایی که همواره ناقه‌ی حیاتشان را ذبح می‌کنند و منتظر واقعه‌ای هیجان‌انگیز که آنان را ساعتی از روزمرگی نجات دهد. آنچه امام عصرتان شما را به آن دعوت می‌کند همان کلامی است که پیامبرتان امر فرموده: از آنچه برایتان گذاشتم پیروی کنید پس مختارید راه خیر را در پیش بگیرید و یا راه شر را؛ همواره بیندیشید؛ جانی را حمل می‌کنید که دو شراب مست‌کننده را به همراه دارد یا از عشقش مست می‌شوید و یا از شرش.

اینک می‌شنوم که می‌خوانید: آجرک الله یا بقیة الله؛ پس آجر صبر مرا به پروردگار حواله می‌کنید. صبر بر جهالت امتی که بعد از گذشت نیم قرن از رسالت به مصیبتی این‌چنین ختم شد؛ صبر من بر شما چگونه خواهد بود که قرن‌ها از رسالت پیامبرتان گذشته است؛ آجر صبر مرا در احوال خودتان باید بخواهید احوالی که تغیرش بر ثانیه استوار است و محبتش بر لحظه‌ها. نگران نباشید و صفتان را همانند شاگردان جدم امام جعفر صادق (ع) در زمان خواهم نگاشت پس آنچه که آموختید بیاموزید و اگر قدرت درکش را نیافتید سکوت کنید تا به فرموده‌ی قرآن در انفاش قرار گیرید.

صحرای حق آماده می‌شود تا جانش را در تلاوت آیات الهی به معرض نمایش گذارد؛ با این صحرا پیمان ببندید تا از سفره‌ی احسانش جدا نشوید. ظرفیت‌هایتان در پذیرش حق در چهره‌هایتان مشخص است پس نیازی به حجت زبان ندارد؛ بخوانید نام زیبایی‌ها را بر دیوارهای این خانه با حرارت قلبتان تا او برایتان به یادگار نگه دارد. مراقب باشید! جان این خانه تصویرتان را در مصیبت‌های جهل همانند نقاشی ماهر در صندوقچه‌ی جانش به امانت نگه می‌دارد پس سپاسگزار پروردگارتان باشید که در آدرسش را یافتید اگر توانستید به واقع مهمانش باشید پس از یارانی بوده‌اید که در

کربلا ماندند و ندای حق را لبیک گفتند پس برخیزید و به آنچه به آن مأمور شدید عمل کنید تا به ندای مجاهد بی‌زبان ولی مصمم کربلا دست بیعت دهید تا در گشودن گره‌های جانتان شما را یاری کند و همچنان که او با عمل خواند بخوانید:

اللهم عجل لولیک الفرج

والسلام

www.rayatolhoda.com